



جستاری در رابطه قرآن و جامعه‌شناسی^۱

◀ محمدرضا آقائی^۲

چکیده

بر خلاف غرب که در آن مسئله رابطه علم و دین، به تعارض گزاره‌های دینی با نصوص مقدس منتهی شد، در جهان اسلام و جامعه اسلامی که قرآن کریم، همواره سرچشمه علوم و معارف بوده است و بر کسب علم و دانش، بیش از هر چیز دیگری در آن تأکید دارد، رابطه قرآن و علوم موجب شکوفایی تمدن اسلامی و پیشرفت علوم و فنون شده است. از مصداق‌هایی از این سخن، عبارت‌اند گزاره‌های متعدد قرآنی که با صراحت، به علم‌آموزی و ارزش علم و عالم و ارتباط با طبیعت به عنوان راهی برای خداشناسی توجه داده است (مانند آیات ۳۱ بقره، ۱۵ و ۱۶ نمل، ۹ زمر، ۲۶ فاطر، ۱-۵ علق، ۵ طارق، ۳۰ انبیاء...؛) پیدایی تمدن اسلامی (و حتی زمینه‌های اولیه تمدن غربی) که باید آن را مرهون قرآن کریم دانست و به قول جرج سارتون برای درک کامل علت فعالیت مسلمان‌ها در رشته‌های علمی، باید به نقش محوری قرآن در زندگی آنها توجه کرد. (مقدمه ای بر تاریخ علم، ص ۴۶).

بر همین مبنا نوشته حاضر در صدد است تا ضمن مروری بر تعاریف جامعه‌شناسی و تعیین جایگاه آن در میان علوم، به موضوع و اهداف و روش آن در مجموعه علوم انسانی اشاره کند. در ادامه، سپس بحث را در سه بخش اهداف و ضرورت، توجه به رابطه قرآن و جامعه‌شناسی، بیان ابعاد و تلقی‌ها در پیوند قرآن و جامعه‌شناسی تنظیم نماید. سرانجام با ارائه نمونه‌ای برگرفته از قرآن کریم، به عنوان موضوع‌ها و محورهای در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی، بررسی بحث را تکمیل نماید تا در نتیجه، درآمدی هرچند ناچیز در خصوص علم جامعه‌شناسی و رابطه آن با قرآن کریم ارائه دهد و زمینه برای تلاش بیشتر صاحب‌نظران حتی در قالب نقد نوشتار فراهم آید.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی قرآنی، گزاره‌های جامعه‌شناختی، گزاره‌های قرآنی، قوانین جامعه‌شناختی و نظام اجتماعی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۱۷ تاریخ تایید: ۱۳۹۲/۰۴/۲۴

۲. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

درآمد

از مجموعه مباحث مرتبط با علم و دین، رابطه قرآن و جامعه‌شناسی، عام و رابطه قرآن و علوم روز، به طور خاص، از مجموعه مباحث مهم عصر حاضر است که در بخش علم و دین، حجم عظیمی از کتاب‌ها و مقاله‌ها به آن اختصاص یافته، مؤسسه‌های فراوانی آن را موضوع بحث خود تعیین کرده‌اند و بحث‌های فراوانی را نیز تاکنون در این عرصه ایجاد نموده است.

در این زمینه، در غرب که خاستگاه اولیه این بحث است و ریشه در رنسانس غربی دارد، سه دیدگاه عمده رایج است که اولی گزاره‌های دینی را در تعارض با گزاره‌های علمی می‌داند، دیگری قلمروی جداگانه برای هر دو قائل است و از این رو تعارضی سالبه به انتفا موضوع است و دیدگاه سوم میان بین علم و دین، نوعی تعامل قائل می‌شود و در اصل، معتقد به علم دینی است.

غرب پس از ورود به قرن هفدهم و با گذر از دوران رنسانس؛ به عنوان دوران آغازین توجه ویژه به روش تجربی در تبیین و تفسیر پدیده‌ها و اعتقاد یافتن به اینکه مفاهیم علمی، باز نمود حقیقی جهان عینی است و خصوصیت آن، احتراز از علل غایی در توصیف حوادث طبیعی است (رضایی، ص ۳۰۳) وارد قرن هیجدهم می‌شود که دوران غلیظ‌تر شدن اعتقاد به روش تجربی و حسی است. در این دوران، نوعی علم‌زدگی افراطی رخ می‌دهد و افرادی چون هیوم، معتقد شدند که در واقع تنها معرفت مطمئن بشری، معرفتی است که از طریق حواس به دست آید.

با ورود به قرن نوزدهم، شاهد بحث‌برانگیزترین دوران برای علم و دین در غرب هستیم. در این قرن بسیاری از نظریه‌هایی که تولید شدند، در تعارض با نصوص کتاب مقدس بودند که مهم‌ترین آن، نظریه تکامل داروین است. این دوران، زمان شکل‌گیری علوم‌ی چون علم جامعه‌شناسی با تأکید بر نگرش پوزیتیویستی است که بیشتر در دیدگاه افرادی چون آگوست کنت و امیل دورکیم مشهود است. این دوران پر تنش، نتیجه و آثار خود را در قرن بیستم تا اواسط آن، بر رشد روزافزون مکتب‌های الحادی و علمی نشان داد، چنان‌که سر ناسازگاری با دین داشتند و زمینه و هدف اصلی آنها در شکل‌گیری، تعریض به دین و واگرایی جدی در برابر آموزه‌ها و گزاره‌های دینی بود.

در این آوردگاه، تفکر دینی بیش از پیش عقب‌نشینی می‌کرد، که به دلیل تحریف‌های فراوان و تعارض‌های گوناگون موجود در کتاب مقدس، توان پاسخ‌گویی به شبهه‌های مطرح شده را از دست داده بود. از دیگر سو، توفیق علم در حل مشکلات بشری و ایجاد آرامش و آسایش، جریان علم‌زدگی را روز به روز توانمندتر می‌ساخت. از نمودهای دیگر این دوران، این دیدگاه رایج در غرب بود که بنا بر آن، می‌توان خدا را از جهان حذف کرد و در عین حال تمامی پدیده‌های جهان را توسط علم، توصیف و مشکلات آن را حل نمود.

بر خلاف غرب که در آن، مسئله رابطه علم و دین، به تعارض گزاره‌های دینی با نصوص مقدس انجامید، در جهان اسلام و جامعه اسلامی که قرآن کریم، همواره سرچشمه علوم و معارف بوده است و تأکیدهای فراوان بر کسب علم و دانش در آن وجود دارد، رابطه قرآن و علوم، موجب شکوفایی تمدن اسلامی و پیشرفت علوم و فنون شده است. از گزاره‌های متعدد قرآنی که به صراحت به علم‌آموزی و ارزش علم و عالم و توجه به طبیعت، به عنوان راهی برای خداشناسی توجه داده است (مانند آیات ۳۱ بقره؛ ۱۵ و ۱۶ نمل؛ ۹ زمر؛ ۲۶ فاطر؛ ۱ - ۵ علق؛ ۵ طارق و ۳۰ انبیا) تا پیدایی تمدن اسلامی (و حتی زمینه‌های اولیه تمدن غربی) که به اذعان دوست و دشمن، باید آن را مرهون قرآن کریم دانست، همگی نشانه رشد آخرین بودن رابطه قرآن و علوم است. به قول جرج سارتون نیز برای درک کامل علت فعالیت مسلمان‌ها در رشته‌های علمی، باید به نقش محوری قرآن برای آنها توجه کرد. (مقدمه ای بر تاریخ علم، ص ۴۶)

در این زمینه در محافل علمی حوزوی و دانشگاهی به خصوص در کشور جمهوری اسلامی ایران، بعد از انقلاب اسلامی، تلاش فراوانی صورت گرفت تا گام‌های اساسی در پایه‌ریزی علوم با نگرش اسلامی برداشته شود، که با تأسف، بسیاری از این تلاش‌ها به نتیجه دلخواه خود نرسید. هم اکنون نیز با توصیه‌های پیاپی مقام معظم رهبری، مراکز حوزوی و دانشگاهی همت خود را به گونه‌ای دیگر بسیج کرده‌اند تا اقدام‌های مؤثرتری در این خصوص تحقق یابد. از این رو فعالیت‌هایی به طور عمده در محورهایی چون اسلامی کردن علوم و ارائه مبانی و اصول علوم به ویژه علوم انسانی، مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم، در حال پیگیری است. نوشتار حاضر نیز در این راستا می‌کوشد تا درآمدی هرچند اندک در خصوص یکی از علوم انسانی اجتماعی، یعنی علم جامعه‌شناسی و رابطه آن با قرآن کریم ارائه دهد و زمینه را برای تلاش بیشتر صاحب نظران، حتی در قالب نقد نوشتار فراهم سازد، همان‌گونه که اهتمام دیگران اعم از استادان و محققان حوزوی و دانشگاهی، زمینه‌ساز این اقدام شده است.

بدین ترتیب در این مقاله نخست با مروری بر تعریف‌های ارائه شده از علم جامعه‌شناسی و تعیین جایگاه آن در میان علوم، به موضوع و اهداف و روش آن در مجموعه علوم انسانی اشاره می‌کنیم. سپس بحث را در سه بخش ادامه می‌دهیم: یک - اهداف و ضرورت توجه به رابطه قرآن و جامعه‌شناسی؛ دو - بیان جنبه‌ها و تلقی‌ها در پیوند قرآن و جامعه‌شناسی و سه - ارائه دست‌کم دو نمونه مستفاد از قرآن کریم، به عنوان موضوع‌ها و محورهای قابل استخراج در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی.

تعریف جامعه‌شناسی

در یک تقسیم‌بندی، علوم تجربی را در دو دسته علوم طبیعی و علوم انسانی جای می‌دهند. در این تقسیم‌بندی، علوم انسانی خود به دو بخش است: علوم ناظر به رفتارهای فردی، مانند روان‌شناسی؛ علوم ناظر به شئون اجتماعی، مانند جامعه‌شناسی، حقوق، سیاست و اقتصاد. براین اساس علم جامعه‌شناسی، زیرمجموعه علوم اجتماعی انسانی تجربی است که موضوع مطالعه آن، رفتارهای اجتماعی انسان به عنوان پدیده‌های اجتماعی است که در بستر جامعه و در واکنش به رفتارهای جمعی و تأثیر و تأثرهای اجتماعی دیگران، شکل می‌گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۱۴)

در اینکه داشتن تعریف مشخص از هر علمی، دارای ضرورت منطقی و روش‌شناختی است، تردیدی نیست و پیش از پرداختن به مسائل یک علم، باید تعریف مشخصی از آن علم ارائه داد و گرنه امکان ندارد بتوان میان مسائل آن علم و علوم دیگر، به تمایزی دست یافت و گرفتار بی‌مرزی علوم و در آمیختن آنها و در نتیجه، تشویش ذهن نشد. از این رو تعریف جامعه‌شناسی در این نوشتار که از مفاهیم کلیدی بحث است، از ضرورات دارد؛ هرچند تنوع و پراکندگی در معانی ارائه شده و نبود اتفاق نظر بر یک تعریف مشخص، از مشکلات این علم است. (گوروویچ و دیگران، ۱۳۴۹، ص ۱۲) با تأمل در همه تعریف‌های ارائه شده از دانش جامعه‌شناسی، آنها را به سه دسته کل‌گرا، جزگرا و تمیستیک تقسیم می‌کنند که در اینجا از هر کدام، دست‌کم به دو تعریف اشاره می‌کنیم:

۱. تعاریف کل‌گرا

این نوع تعاریف‌ها، جای می‌گیرند که جامعه را به صورت یک کل می‌نگرند که اجزا و ابعاد مختلف آن، به نوعی وحدت، دست یافته‌اند و در نتیجه، کوشش جامعه‌شناسی را شناخت این کل در بستر زمان و مقاطع زمانی می‌دانند، مانند: تعریف اسپنسر و آگوست کنت. آگوست کنت، جامعه انسانی را بزرگ‌ترین واقعیت می‌انگارد و جامعه‌شناسی را علم به قوانین پدیده‌های اجتماعی پیچیده‌ای می‌داند که به صورت یک مجموعه واحد درآمده و از یک سیر کلی مراحل سه‌گانه برخوردار است. از نظر اسپنسر، جامعه‌شناسی علمی است که باید وضعیت موجود جامعه را به وسیله تمرکز بر روی مراحل پیشین تطور

و اعمال قوانین تطور آنها تبیین کند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۳، ص ۱۹)

مزیت این نوع تعریف‌ها در این است که از یک سو به ریشه‌های تاریخی وقایع و جست‌وجوی علل و عوامل و عبرت‌های تاریخی، در گذشته جوامع و ربط آنها با یکدیگر توجه می‌کند و از سویی، توجه به ضرورت کسب نگرش مجموعی و رسیدن به یک بینش عمومی از جامعه بشر و قوانین حاکم بر آن دارد. براین اساس، از جامعه‌شناسی توقع کار بزرگی چون شناخت قوانین حاکم بر جوامع بشری انتظار می‌رود و آن علم را کمتر در وادی جزئیات گرفتار می‌سازد.

۲. تعاریف جزءگرا

این دسته تعریف‌ها ناظر بر روابط صوری و کنش و واکنش‌های میان افراد و گروه‌های اجتماعی است که بر مجموعه روابط اجتماعی به ویژه تحولات عمومی و تاریخی جوامع تأکید دارد. در این خصوص، جورج زیمل، جامعه‌شناسی را چنین تعریف می‌کند: «جامعه‌شناسی، علمی است که به مطالعه صورت پدیده اجتماعی می‌پردازد.» (NICHOLAS, 1967, P.7) همچنین ژرژ هومانز، وظیفه جامعه‌شناسی را بررسی رفتار گروهی (Ibid, P.258)، رابرتسون، مطالعه علمی جامعه انسانی و رفتار اجتماعی (Robertson, 138, p.3) و کوزر آن را بررسی علمی الگوهای تعامل اجتماعی تعریف می‌کنند. (کوزر، ۱۳۷۰، ص ۴)

اشکال عمده این تعریف‌ها، جامع نبودن و حذف بسیاری از موضوع‌ها و نهادها از حوزه مطالعات جامعه‌شناسی است که گوروویچ در انتقاد از تعریف زیمل، به آنها پرداخته است (ر.ک: گوروویچ، ص ۱۶)

۳. تعاریف تمیستیک

این نوع تعریف‌ها، بر روی موضوعی خاص از واقعیت‌های اجتماعی تأکید می‌کنند و کار جامعه‌شناسی را مطالعه آنها می‌دانند. در این گروه از تعریف‌ها، می‌توان به تعریف‌های امیل دورکیم از جامعه‌شناسی با تأکید بر واقعیت اجتماعی، تالکوت پارسونز با تأکید بر ساخت اجتماعی و ماکس وبر با تأکید بر کنش اجتماعی اشاره کرد. (آرون، ۱۳۷۰، صص ۳۹۲ و ۵۴۰)

مهم‌ترین مشکل این تعریف‌ها نیز هم این است که موضوع معینی را به عنوان محور در نظر می‌گیرند و با گزینش از میان پدیده‌ها و عناصر مختلف اجتماعی، خواه ناخواه به جنبه خاصی از واقعیت اجتماعی، بیش از دیگر جنبه‌ها توجه می‌کنند. آنان معمولاً به داشتن هدفی مبنی بر حفظ نظام موجود، متهم‌اند؛ زیرا در طرح جامعه‌شناسانه خود، منظومه ثابتی را مد نظر دارند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۳، ص ۲۳)

موضوع دانش جامعه‌شناسی

با تمرکز بر دسته اول تعاریف جامعه‌شناسی و با پذیرش نقش آن در کشف قوانین اجتماعی حاکم بر جوامع، می‌توان دریافت موضوع آن، عبارت است از جوامع انسانی و قوانین حاکم بر آن، که به عنوان مجموعه‌های مرتبط به هم و متحد با دیگر پدیده‌های اجتماعی، به عنوان اجزا یا ابعادی از جامعه، ارتباط دارند و نیز قوانینی بر آنها حاکم است. (همان، ص ۲۴)

هدف دانش جامعه‌شناسی

اگر جامعه‌شناسی را به دو دسته جامعه‌شناسی محض یا نظری و جامعه‌شناسی کاربردی تقسیم کنیم، هدف در اولی، تبیین مسائل اجتماعی نظری است که براساس آن، به کشف قوانین جوامع انسانی، دستیابی به قوانین پدیده‌های اجتماعی و ارتباط آنها با هم در بستر زمان، با توجه به اوضاع و شرایط طبیعی توجه می‌شود. (همان) و هدف در دومی، بهره‌گیری از همان تبیین‌های نظری برای حل مشکلات اجتماعی در مرحله عمل است. (Lazarsfeld, 1967, p.725)

روش تجربی، مشخصه جامعه‌شناسی امروزی

پیش از قرون وسطی و به ویژه در یونان باستان، روش تعقلی، در میان اندیشمندان آن دوران، روش حاکم بر تحقیقات و مناظره‌های علمی بود. فلاسفه و سوفیست‌ها همواره با تأکید بر این روش، مدعی خویش را اثبات می‌کردند. دوران قرون وسطی در غرب را دوران حاکمیت روش تعبدی می‌دانند. در این دوره آباء کلیسا و متکلمان مسیحی، با تکیه بر متون مذهبی و به منظور تأیید آنها، به تحقیق می‌پرداختند و معیار صحت و سقم نظریه‌های علمی را تطابق یا نداشتن تطابق با متون مذهبی می‌دانستند. در واقع برای تأیید دستاوردهای روش تعبدی، به روش تعقلی یا روش‌های دیگر روی می‌آوردند. (مصباح یزدی، ج ۹، ص ۳۲ و ۳۸)

در همین دوران، در جهان اسلام با ارج نهادن به روش تعبدی، دانشمندان اسلامی از دیگر روش‌ها نیز بهره بردند. آنان از یک سو بنا بر اساس تحقیقات روش‌شناختی و شناخت‌شناسی خویش، به اعتبار روش‌های یاد شده راه یافتند و از سوی دیگر، به دلیل اعتبار و تقدس دستاوردهای روش تعبدی، معتقد بودند که متون دینی همچون قرآن کریم، دستور به استفاده هریک از روش‌های دیگر را نیز داده است. تأکید فراوان قرآن کریم بر سیر در سرگذشت پیشینیان، نمونه بارزی از لزوم اعتماد و استفاده از روش تجربی است: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران: ۱۳۷)

دوران پس از رنسانس، دوران سیطره روش تجربی است؛ زیرا در این دوران، پوزیتیویسم، به شکل افراطی رخ می‌نماید و تا حد بی‌اعتبارسازی دیگر روش‌ها پیش می‌رود. این دوران، همچنین دوران شکل‌گیری جامعه‌شناسی به عنوان یک علم و در واقع طلایه‌دار و گسترش‌دهنده این روش در ابعاد مختلف این علم و دیگر ساحت‌های علمی است.

ارتباط قرآن و جامعه‌شناسی

توهم تعارض آیات الهی قرآن با علوم روز، از تعمیم تعارض موجود در نصوص کتب عهدین یا برخی یافته‌های علوم، نشئت گرفته است که بدون شک در خصوص قرآن غیر مسموع است. در دیدگاه تعارض و دیدگاه جدایی علم و دین، هیچ نوع رابطه‌ای میان قرآن و علم جامعه‌شناسی فرض نمی‌شود، اما بنا بر دیدگاه ارتباط قرآن و علوم روز، قرآن با جامعه‌شناسی تعامل دارد. وحی به عنوان منبعی برای شناخت، در کنار تجربه و عقل، به تکمیل معرفت بشری کمک می‌کند. در این دیدگاه، قرآن کتاب الهی است که طبیعت را با علم و تدبیر خدا می‌داند و از این رو، کتاب تکوین و تشریح، سر سازگاری با هم دارند و هر یک، دیگری را تکمیل می‌کند.

درباره علوم و همچون جامعه‌شناسی نیز باید گفت که هدایت انسان، از مهم‌ترین اهداف قرآن است و چون موضوع علوم مانند جامعه‌شناسی، بحث و بررسی در زمینه روابط انسانی در یک حالت جمعی است، ناخواسته بسیاری از مفاهیم مطرح شده در جامعه‌شناسی، با گزاره‌های قرآنی ارتباط برقرار می‌کند. چون هدف این علم را توصیف گونه‌ای از روابط انسانی بدانیم یا آن را بیان توصیه‌هایی برای بهتر شدن زندگی اجتماعی انسان و قاعده‌مندتر شدن آن روابط تلقی کنیم، در هر دو صورت، آیات فراوانی در قرآن کریم و با موضوع‌ها و محورهای مختلف، به شناخت و معرفی انسان در جامعه و جامعه انسانی و توصیف آن می‌پردازد و در ضمن، آیاتی هم برای تکامل انسان در این جامعه یا جامعه انسانی دستورهای داده؛ اعم از دستورهای ارشادی یا مولوی.

حال اگر روایات را به عنوان مفسر آیات، به آنها بیفزاییم، حجم بالایی از گزاره‌های دینی خواهیم داشت که می‌توانند موضوع ارتباط و تعامل قرآن و جامعه‌شناسی باشند. حتی این گزاره‌ها می‌توانند به

عنوان پیش‌فرض‌ها و مبانی علم جامعه‌شناسی و یا نظریه‌های بدیل قرار گیرد و یا همچون پارادایم‌هایی باشند که در حوزه کلان و فلسفه علم به کار می‌روند. با اینکه مسائل جدیدی را برای علوم مطرح کنند، یا موضوع‌های مشترکی باشند که در هر دو حوزه بدان پرداخته شده و یا همچون مفروضات دانشمندان تلقی گردند که ناخواسته در بینش فکری و نظریه‌پردازی او اثر می‌گذارد. ضمن اینکه وحی الهی، می‌تواند به عنوان «میزان» داوری نظریه‌های جامعه‌شناسی قرار گیرد و یا همچون منبعی الهام‌بخش برای موضوع‌ها و نظریه‌های جدید باشد. از سوی دیگر در تمدن برخاسته از فرهنگ قرآنی، بدون شک ساختار علمی چون جامعه‌شناسی، مسائل و موضوع‌ها و غایت‌ها و حتی تنوع حوزه‌ها و گرایش‌های آن، متفاوت از آن چیزی خواهد بود که در تمدن غربی در سده‌های اخیر شکل گرفته است.

در ضمن، چون هر علمی برای نمونه جامعه‌شناسی، به منظور رفع نیازی است، بی‌تردید، راه حل‌های ارائه شده توسط قرآن برای حل مشکلات و رفع نیازها، در مواردی، متفاوت از راه‌حل‌های کنونی این علم است. بنابراین در یک نگاه مقدماتی، منظومه معرفتی قرآن، در این خصوص می‌تواند شکل و ساختاری متمایز از آنچه در غرب شکل گرفته است، ارائه دهد.

ضرورت و اهداف جامعه‌شناسی با رویکرد قرآنی

ضرورت دینی شدن علمی چون جامعه‌شناسی، از دو نظر تأمل‌برانگیز است: اول آنکه عینیت جامعه‌شناسی و حقیقت آن، در گرو مطابقت آن با واقع است و چون خداوند بخشی از واقعیت و حقایق خویش را از طریق وحی و فرستادگانش برای مردم بیان کرده، قرآن کریم می‌تواند در یافتن واقعیت‌های اجتماعی و عینیت آن، به جامعه‌شناسی کمک کند.

دوم آنکه بشر به دنبال علم می‌رود تا بتواند ساختار جامعه و نهادهای آن را بر اساس یافته‌های آن بنا نهد. در حقیقت محصول چنین علمی، تمدن‌سازی است و به طور طبیعی اگر این علم، الهی باشد، نتیجه آن تمدن دینی خواهد بود. بنا بر این به نظر می‌رسد، اهداف زیر را بتوان در دو بخش اهداف عام و اهداف خاص برای جامعه‌شناسی با رویکرد قرآنی دنبال کرد:

۱. اهداف عام

الف. زمینه‌سازی شرایط تولید علم دینی در حوزه علوم اجتماعی به طور عام و جامعه‌شناسی به طور خاص

یک - این هدف، بر پایه دلایل زیر شکل گرفته است: علوم اجتماعی و برای نمونه جامعه‌شناسی، در بطن خود، علمی هستند که با ارزش‌ها به ویژه ارزش‌های عالی انسانی آمیخته‌اند و نمی‌توان آنها را مستقل از این ارزش‌ها و در یک وادی مادی بی‌طرف ارزیابی کرد. از شواهد روشن این ادعا، یکی موضوع مطالعه آن، یعنی رفتارهایی است که عموماً مسبوق به نوع خاص نگرش‌ها و بینش‌های انسان در نقش‌آفرینی است و دیگری اینکه، این علوم در تاریخ خود، با انواع گرایش‌ها و بینش‌ها مانند مارکسیست و مسیحیت شکل گرفته و نمود خارجی یافته است.

دو - علم جامعه‌شناسی موجود، جزو علوم دینی خوانده نمی‌شود و در نتیجه، بدون شک با گرایش اسلامی نیز شکل نگرفته است که از دلایل آن، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اول - خاستگاه این دانش، غرب است و پایه‌گذاران آن نیز غیر دینی و زبان و گرایش آن هم تعریض به دین است. علم جامعه‌شناسی غربی، ناظر به ویژگی‌های زمان و مکان خود است؛ علمی که پس از دوران انقلاب فرانسه، در فضای ناآرام و بی‌بند و بار آن زمان شکل گرفت. اگر پاسخ‌گوی نیازی هم باشد (در این زمینه هم چندان موفقیتی نداشت) پاسخ‌گوی نیاز محیط و بستر شکل‌گیری آن علوم است. این بستر می‌کوشید چشم خود را بر هر عامل متافیزیکی و ابتنای بر هرگونه منبع عقلانی - الهی ببندد و

از ناحیه تجربه و میزان درک خود از شرایط و مسائل، به حل و پاسخ نیازهای جامعه عصر خود بپردازد. از شواهد عمده و عینی آن نیز شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری، به خیال رفع نیازهای مادی بود که امروزه به اساسی‌ترین مشکل آن جوامع تبدیل شده و همه در تلاش‌اند تا از این وضعیت نابسامان خارج شوند. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کوزر، ۱۳۷۰)

دوم - دانشمندان علم جامعه‌شناسی، با بهره‌گیری از تنها روش تجربی و به کمک عقل ابزاری، الگویی شبیه الگوی علوم طبیعی را در تحقیقات خود انتخاب کردند. در عمل نیز از هرگونه معرفت قدسی و الهی فاصله گرفتند و در خوشبینانه‌ترین تحلیل‌های علمی، مادی شدند؛ زیرا آنان در غرب، علم را به‌مثابه ابزاری ایدئولوژیک و جانشین دین و حتی ضد دین به کار بردند، در نتیجه، امروزه در اصول و مبانی‌ای که این علم بر آن استوار شده، به نوعی تقلیل‌گرایی در باب انسان و جامعه و البته تمام هستی تن داده و دچار ناکارآمدی جدی شده است.

سه - انسان نیازهای فراوانی دارد و چون موجودی دو بعدی است و عمده رفتارهای او نیز متکی به هر دو بعد حیاتی او یعنی بعد مادی و معنوی است، پاسخ‌هایی که به این نیازها و رسیدن به تمام راهکارها برای رفع آنها داده می‌شود، باید ناظر به هر دو بعد او باشد. با این حال متأسفانه علم جامعه‌شناسی امروزی، به سبب تأکید بر بعد مادی و حتی انحصار انسان در این بعد، نتوانسته پاسخ درستی به نیازهای واقعی انسان بدهد. البته در پرداختن به همان بعد مادی نیز دچار لغزش‌های فراوان شده، چنان‌که انسان را از بعد واقعی مادی‌اش دور و حتی در مواردی، انسان بودن او را خدشه‌دار کرده است. در نتیجه، باید معرفتی نو، مبتنی بر منابع دینی و تجربه کشور خود و با توجه به شرایط و ویژگی‌های جامعه خودی تولید کرد.

چهار - در خصوص جامعه‌ای اسلامی مانند ایران و نیازهای آن باید گفت، بی‌تردید با توجه به تجربه انقلاب اسلامی و روحیه انقلابی و حاکمیت ارزش‌های دینی در آن، علومی همچون جامعه‌شناسی، به منظور پاسخ‌گویی به نیازها، تاکنون بومی‌سازی نشده است. البته در این میان، اندیشمندان و فرهیختگان جامعه و به ویژه مقام معظم رهبری، همواره بر تولید علم دینی با مراجعه به قرآن کریم و استخراج اصول و مبانی آنها از آن کتاب، تأکید دارند.

ب) تفسیر جامعه‌شناختی آیات اجتماعی قرآن

دومین هدف از طرح رابطه قرآن و جامعه‌شناسی، زمینه‌سازی برای گونه‌ای از تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم با نگاهی جامعه‌شناختی است، چنان‌که متمایز از دیگر تلاش‌ها در عرصه تفسیر اجتماعی باشد.

یک - این هدف نیز با دلایل زیر شکل گرفت: برخلاف بررسی آیات علمی ناظر به علوم طبیعی، آیات علمی، با دیدگاه جامعه‌شناختی مطالعه نشده‌اند. به این معنا که تاکنون صدها مقاله و کتاب در داخل و خارج و به انواع زبان‌ها به ویژه در جوامع دانشگاهی عربی، در خصوص قرآن و علوم طبیعی نگارش یافته، در حالی که جای چنین تفسیرهایی با نگاه و رویکرد جامعه‌شناختی، خالی است. جالب است بدانیم با این حال، در صد بالایی از آیات قرآن، ناظر به موضوع‌هایی است که محور مطالعه در علم جامعه‌شناسی هستند.

دو - حوزه مطالعات جامعه‌شناختی با موضوع‌های مطرح در قرآن کریم، زمینه‌های مشترک فراوانی دارد که در محورهای زیر، چنین تفسیری با موضوع‌های قرآن کریم هماهنگ است:

اول - اشتراک و هماهنگی در بخش تنوریک و نظریه‌ها، که اصول موضوعه آنها را در بخش‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی می‌توان از قرآن استخراج کرد.

برای نمونه، بحث از اشتراک جوامع در قوانین جامعه‌شناختی، یکی از محوری‌ترین مباحث است که

علامه مصباح یزدی در کتاب **جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن**؛ علامه جوادی آملی در کتاب **جامعه در قرآن**؛ شهید محمدباقر صدر در **سنت‌های تاریخی در قرآن** و شهید مرتضی مطهری در کتاب **جامعه و تاریخ در قرآن**، به آن پرداخته‌اند.

بحث دیگر، سخن از نقش دین و کارکردهای آن در ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی و ملی است؛ موضوعی کلیدی که توجه جدی به آن، نقش قرآن را در تولید زمینه برای نظریه‌هایی چون کارکردگرایی و نقد آن در جامعه‌شناسی امروز، روشن می‌سازد. حتی بر خلاف جامعه‌شناسی که در تبیین این نظریه دچار نوعی انتزاعی‌گری شده، نقش دین را بیش از پیش کاربردی‌تر می‌نمایاند.

دوم - اشتراک و هماهنگی در محور موضوع‌ها و حوزه‌های مطالعاتی و گزاره‌های قرآن و جامعه‌شناسی اگر از مباحث خاص مربوط به توحید و صفات الهی، معادشناسی و توصیفاتی که در قرآن در مورد اشخاص و بزرگان از خوبان و بدان آمده، بگذریم، بقیه مباحث قرآن دارای یک نوع ویژگی اجتماعی و در ابعاد مختلف دنیوی اخروی، ناظر به حیات جمعی است. برای نمونه، بیان مفصل سرگذشت اقوام و دسته‌ها در قرآن کریم؛ ذکر بیش از هشتصد بار از کلماتی که ناظر به جمع و جامعه و قوم و امت است؛ مطرح کردن دسته‌ها و شبه گروه‌های اجتماعی اعتقادی که از آغازین آیات قرآن، به آنها پرداخته شده است. از آن مجموعه، باز می‌توان به دوتایی‌ها مانند مستکبران و مستضعفان و یا دسته مؤمنان، منافقان و کفار و یا اصحاب و اقوام انبیای گذشته، همچون سرگذشت قوم یهود اشاره کرد.

مبحث دیگر، تجلی ابعاد اجتماعی مناسک دینی در قرآن است که برای نمونه، به تعبیر اقامه نماز و پیامدهای اجتماعی آن؛ انفاق و آثار جمعی آن؛ تعاون و آثار آن؛ نظارت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر و نیز نقش حج و جهاد در جامعه می‌توان اشاره کرد. خانواده و جایگاه آن؛ رهبری و نقش آن در جامعه؛ امکان استخراج جامع و کامل کارکردهای دین در ابعاد مختلف معرفتی، اخلاقی - اجتماعی و بهداشتی محیطی، همگی از دیگر حوزه‌های جدی قرآن کریم است که امروزه جزو مباحث جدی جامعه‌شناسی هستند. (آقایی، ۱۳۸۸، شماره ۵)

سوم - فراهم‌سازی نگاه چندبعدی به قرآن کریم و گذر از دیدگاه‌های تک‌محور، غیرسیستمی، متحجرانه و گاه التقاطی.

هر یک از این موارد، به نوبه خود، زمینه دور شدن از بهره‌مندی صحیح، کارآمد و به موقع از قرآن کریم را فراهم ساخته است. همچنین گاه موجب بدبینی به آموزه‌های قرآنی و از سوئی گسترش قشری‌گری و برخورد انحصاری با قرآن کریم می‌شوند و فضای دغدغه قرآن و نیازهای زمان را می‌گسترند و پاسخ‌گویی را برای بعضی، سخت پاسخ خواهند کرد. ضمن اینکه شبهه‌های ناواردی به قرآن نسبت می‌دهند که فقط برای پاسخ به آنها، باید نیروهای فکری و توانمند زیادی، سال‌ها بکوشند تا اتهام‌های قرآن را بزدايند و ساحت آن کتاب عزیز را از این‌گونه انحراف‌ها مبرا سازند. حال اگر جامعه اسلامی، تهی از اندیشمندان عالم باشد یا زمینه دفاع از قرآن در برابر مستکبران و رهبران مستبد، بسته باشد و بیش از پیش بر غربت قرآن بیفزاید، آن زمان است که دوباره قرآن توسط خواص و عوام، از صحنه زندگی خارج می‌شود و نوعی تحجر بر قامت رسای آن کلام الهی سایه می‌افکند.

چهارم - بازشناسی و بازبینی آیات قرآن کریم به ویژه از نظر گزاره‌های توصیفی - تکلیفی قرآن به نگاه جمعی و با توجه به ابعاد اجتماعی آن

در واقع با اندک تأمل در گزاره‌های قرآنی و بر اساس بیان علامه که فرمود: قرآن به تمام شئون اجتماعی انسان، ناظر است، بی‌شک این بعد جامع آن به طور جدی فراموش شده است. بنابراین باید در این زمینه، گام‌های جدی برداشت و این حرکت، گامی است مؤثر تا شرایط بازنگری در بهره‌مندی از قرآن را در عرصه‌های مختلف به ویژه حوزه مطالعات جامعه‌شناختی فراهم کند. در حقیقت اینجاست

که قدرت تطبیق آیات بر زندگی جاری و عصری انسان و ظرفیت ارائه راهکارهای قوی و قویم از قرآن برای حل مشکلات او، افزایش می‌یابد.

ه) زمینه‌سازی پاسخ قاطع و همه‌جانبه به شبهه‌های امروزی در حوزه‌های مربوط به حیات اجتماعی انسان تاکنون بشر به اندازه توان خود، به مسائل و مشکلات، پاسخ دادن و البته چنان درمانده شده که نتوانسته ساده‌ترین نیازهای واقعی خود را پاسخ گوید. این در حالی است که قرآن شناسان به خوبی می‌دانند طرح و مهندسی نظام سعادت‌مند و حیات طیبه، فقط از عهده قرآن و معارف قرآنی، به همراه تکیه بر معارف اهل بیت که مؤید و مفسر قرآن عزیز است، برمی‌آید.

و) اشتراک مسائل و مباحث قرآن کریم با دغدغه‌های اندیشمندان و مردم مصلح و عدالت‌جو آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی، (مبارزه با ظلم و فساد و تباهی، خواهان رهبری عادل و احقاق‌گر حقوق) در واقع قرآن آمده تا این زندگی را آباد سازد و چون فرستنده آن، حکیم و عادل و عالم است، پس به تمام جنبه‌های حیات مخلوق خود نیز عالم است و بنا بر نیاز او حکیمانه دستور می‌دهد. از این رو عالمان واقعی و حکیمان و دلسوزان و مصلحان، تشنه جرعه سیراب‌کننده قرآن در عرصه زندگی مردم‌اند و تنها راه نجات را در گرایش به آن می‌بینند.

ز) به کارگیری مفاهیم و یافته‌ها و گزاره‌های رایج در جامعه‌شناسی، همچون علوم طبیعی، برای درک و فهم آیات قرآنی

این روند، زمینه‌های فهم و گسترش ابعاد مختلف آن را بیش از پیش فراهم می‌سازد. برای نمونه، استفاده از مفاهیم رایج و مصطلح جامعه‌شناسی مانند گروه، طبقه‌بندی، قشربندی، عدالت اجتماعی، انقلاب و ده‌ها مفهوم و عنوان کلیدی دیگر که اختلاف چندانی میان تلقی جامعه‌شناسی از آن و معنای ظاهری در برداشت‌های قرآنی آنها وجود ندارد و آنها دست کم نقاط اشتراک فراوانی در این دو وادی دارند.

ح) هماهنگی چنین تفسیری با اصل فلسفه بعثت انبیا و دین مبین اسلام، با توجه به حجم آموزه‌ها و البته جاودانگی و ابعاد اعجازی قرآن کریم.

مبانی و پیش فرض‌های تفسیر قرآن کریم با رویکردی جامعه‌شناختی

۱. پیش فرض‌ها

در این بخش می‌کوشیم معیارها و ضوابطی برون‌قرآنی و بیشتر ناظر به حوزه جامعه‌شناختی را بررسی کنیم که در بهره‌وری از قرآن کریم، راهگشاست و زمینه منطقی‌تر بحث را فراهم می‌سازد:

الف) باور به این نکته که جامعه ولو باعتبار وجود دارد و هرچند خود، امری حقیقی نیست، منشاء انتزاع آن، که افراد جامعه‌اند، حقیقی هستند. بر همین اساس ادعای اینکه جامعه دارای حقوق و قوانین خاص حاکم بر آن است، ادعای گزافی نیست.

ب) وجود نگاه جامعه‌شناختی در قرآن کریم و بهره‌گیری از آن نگاه در تفسیر قرآن، به این دلیل است که جامعه‌شناسی چون دارای روش، موضوع و نظریه‌های علمی مربوط به خود است، یک علم خوانده می‌شود و بنابراین، از ارتباط یک علم تجربی با قرآن کریم سخن می‌گوییم.

ج) انواع نظریه‌های ارائه شده در حوزه جامعه‌شناسی، حکایت از کاستی‌های هر یک از آنها دارد و البته تلاش‌هایی صورت گرفته تا این کمبود را ترمیم کند و به کمترین حد ممکن برسند. در این میان قرآن کریم که از گذشته‌ها تا آینده‌ها را در نظر دارد، می‌تواند بخش بزرگی از این کاستی‌ها را جبران کند.

د) از نظر قدمت، گزاره‌های قرآن کریم، تفاوت و فاصله فاحشی با یافته‌های علم جامعه‌شناسی دارند که کمتر از دویست سال از عمر آن می‌گذرد. این مسئله نیز حکایت از نوعی تسلط گزاره‌های قرآنی بر

یافته‌ها و گزاره‌های جامعه‌شناسی است.

۲. مبانی

در این بخش منظور از مبانی، توجه به معیارها و اصول درون‌قرآنی و مربوط به علوم ناظر به تفسیر است که در دو دسته مبانی عام و مبانی خاص جای می‌گیرند.

الف) مبانی عام

یک - اعتقاد به امکان و جواز تفسیر و تبیین علمی آیات قرآن کریم؛
 دو - اعتقاد و باور به جاودانگی قرآن و لزوم تفسیر عصری قرآن کریم؛
 سه - لزوم احتراز از تفسیر و تبیین‌های غیر علمی و تفسیر به رأی. (روش‌شناسی تفسیر علمی، صص ۳۰۸ - ۳۱۸)

ب) مبانی خاص

یک - امکان تفسیر و تبیین جامعه‌شناختی قرآن و تفاوت نداشتن حوزه‌های بحث در علوم طبیعی و انسانی و برای نمونه جامعه‌شناسی، در این خصوص.
 دو - وجود مباحث عمیق و فراوان در قرآن که ناظر به حیات اجتماعی انسان است و اینکه حیات اجتماعی او بر دیگر شئون زندگی‌اش غلبه دارد.
 سه - ظرفیت بالای قرآن کریم برای استخراج و تولید نظریه‌های جامعه‌شناختی؛
 چهار - اشتراک معنادار حوزه‌های مطالعات جامعه‌شناختی و مباحث اجتماعی مطرح در قرآن کریم؛
 پنج - وجود مفاهیم همسو و تطبیق‌پذیر با مفاهیم به کار رفته در علم جامعه‌شناسی و تولید مفاهیم کارساز و کاربردی، به عنوان بدیل در مطالعات اجتماعی قرآنی.

۲. اهداف خاص

در کنار اهداف عام، برخی اهداف، عینی‌تر و خاص و متناسب با نیازهای فوری جامعه انسانی و جوامع به خصوص اسلامی و البته امروز ایران ما پس از انقلاب پرشکوه اسلامی است. در این شرایط نیز باید می‌پذیرفت که دست‌کم بسیاری از این خواسته‌ها تنها در گرو چنین گرایشی به قرآن کریم حاصل می‌آید.

الف) شناخت قوانین حاکم بر جوامع و پدیده‌های اجتماعی که نمونه‌های روشن از سنت‌های الهی در زندگی اجتماعی است؛

ب) شناخت عوامل انحطاط و سقوط جوامع خاص، به منظور حفظ جامعه از انحطاط و سقوط و جلوگیری از گسترش مفاسد و انحراف‌های اجتماعی و اخلاقی؛

ج) آسیب‌شناسی جامعه اسلامی به ویژه درباره سست یا متزلزل شدن باورها و ارزش‌های دینی در جامعه؛

د) شناخت مکانیسم و روند تحولات اجتماعی انسان و نیز دگرگونی‌ها در عناصر آن، برای تحقق اهداف الهی و تحقق جامعه ایدئال؛

ه) شناخت درست ابعاد اجتماعی انسان، به منظور کمال‌بخشی به تبیین انسان‌شناسی قرآنی؛
 و) ارائه تبیین‌های معقول و مستدل، برای پاره‌های از سنت‌های اجتماعی قرآن که زمینه تحول در

بیش افراد درباره دین و تقویت پایه‌های عقیدتی آنان و اطمینان نفسانی در برابر آنها را به همراه دارد.
 ز) ایجاد قدرت پیش‌بینی رخداد‌های آینده، به منظور غافلگیر نشدن مدیران و رهبران جامعه اسلامی

در بحران‌های اجتماعی؛

ح) شناخت دقیق‌تر نیازها و کمبودها در جامعه و عوامل و پیامدهای اجتماعی آن، به منظور دستیابی به توان برنامه‌ریزی دقیق و واقع‌بینانه در جامعه اسلامی؛

ط) ارزیابی دقیق پیامدهای توسعه اقتصادی - اجتماعی و تأثیر و تأثر متقابل آنها با ارزش‌ها و باورهای جامعه اسلامی، به منظور ارائه و تدوین الگوی پیشرفت مناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه و کاستن و از بین بردن تدریجی پیامدهای زیانبار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و انسانی توسعه غربی.

ابعاد مختلف پیوند علم جامعه‌شناسی با قرآن

۱. ادیان الهی یکی از منابع مؤثر در زندگی اجتماعی بشر هستند. تأثیری که پیامبران، آموزه‌های ارزشمند آنها و پیروانشان در جوامع بشری داشته‌اند، بسیار مهم و شگرف و پذیرفتنی برای همه است و توجه مردم‌شناسان و نیز برخی جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. البته از سویی نادیده گرفتن وحی و دستاوردهای آن در تحقیقات جامعه‌شناختی به ویژه در شناخت توصیفی جوامع گذشته، پژوهشگران اجتماعی را از شناخت دقیق جوامع و عناصر سازنده و تحول‌آفرین آن محروم می‌سازد. از نمونه‌های آن، می‌توان به انقلاب صدر اسلام و داستان و سرگذشت و نقاط اشتراک اقوام مختلف در قرآن اشاره کرد.

الف) ادیان آسمانی همچون اسلام و به تبع آن قرآن کریم، در زمینه اخلاق اجتماعی، آموزه‌های ارزشمندی ارائه داده‌اند که موجب رشد و تعالی فرهنگ بشر شده است. این آموزه‌ها چه بسا در جوامع به صورت آداب و رسوم درآمده و صبغه مذهبی و الهی خود را از دست داده است، ولی با بررسی‌های عمیق و دقیق انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی، می‌توان به سرچشمه‌های نخستین آن یعنی آموزه‌های انبیا رسید. علامه نیز در تفسیر المیزان در این باره می‌نویسد: «آنچه از اخلاق فاضله و صفات کریمه در ملل و اقوام زنده جوامع کنونی مشاهده می‌شود، از آثار نبوت و دین است». (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۵۱) ب) متون دینی به ویژه کتب آسمانی و به طور خاص قرآن کریم و حتی فرهنگ مادی و معنوی برخاسته از آن، بخشی از منابع اصیل در بررسی‌های مردم‌شناسی و تاریخی است و در روش تاریخی می‌توان به آنها توجه داشت.

ج) ایمان و اعتقاد دینی که گاه از آن به تجربه دینی یاد می‌شود، عاملی مهم در رفتار و کنش متقابل نمادین هر فرد است. همچنین در هر بررسی اجتماعی، اگر از این بعد زندگی انسانی که بر پایه ارزش‌ها و هدف‌ها استوار است، غفلت شود، بدون معیارهای تحقیق علمی است.

د) با توجه به آنکه بسیاری از پیامبران الهی، پیام خدا را برای جوامع بشری آورده‌اند و آموزه‌های انبیا با زندگی اجتماعی، پیوندی ناگسستنی دارد، تا آنجا که برخی از دانشمندان علم کلام دلیل نیازمندی به پیامبران را اجتماعی بودن انسان و نیاز وی به قوانین اجتماعی دانسته‌اند، پژوهشگران باید به بررسی بعد اجتماعی ادیان و برای نمونه اسلام و به ویژه دستورهای قرآن کریم، پردازد؛ چرا که بعد اجتماعی آن بسیار بالاست، همان‌گونه که در جایی دیگر علامه می‌فرماید: الاسلام اجتماعی بجمیع شئونه، (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۵۱)

ه) راه وحی و روش تعبدی، روشی دیگر است در شناخت پدیده‌های جهان است و کمک شایانی به تحقیقات علمی به طور کلی و تحقیقات اجتماعی می‌کند. این روش، دارای قواعد ویژه و اعتبار و روایی لازم است و در این نوع تحقیقات، به کارگیری آن ضرورت دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۳، ص ۲۱۴)؛ زیرا بررسی‌های محتوای قرآن کریم، نشان می‌دهد که از یک سو قلمرو دیدگاه‌های دین در زمینه واقعیت‌های ضروری برای سعادت بشر، در برگیرنده مسائل این جهانی در زمینه علوم انسانی و اجتماعی است. همچنین روابط حاکم میان پدیده‌های اجتماعی و برای نمونه قوانین جامعه‌شناختی، در آن مطرح شده است. از سوی دیگر علوم انسانی بر خلاف علوم تجربی - که تنها به تبیین نظام داخلی جهان مادی یا عالم انسان در دنیا می‌پردازد- از آن فراتر می‌رود و مبدأ و معاد را و به تعبیر دیگر، نظام

خارجی این عالم را نیز بیان می‌کند در ضمن سخنان قرآن، حتی در آنجا که به بیان نظام داخلی می‌پردازد، از نظام خارجی، جدا نیست و از همه به عنوان دلایل و نشانه‌های وجود خدا، و نعمت‌های الهی و آفریدگان وی یاد می‌کند. در این آیات، خداوند آینده جاودان انسان و مقدمه بودن آفرینش همه پدیده‌ها و نظام حاکم بر آن برای زندگی جاوید را یادآور شده است. (همان، صص ۲۱۰ - ۲۲۰)

انواع ارتباط قرآن و جامعه‌شناسی

در خصوص اسلامی شدن و برگرفتن مبانی علمی چون جامعه‌شناسی از قرآن کریم، برداشت‌های مختلفی هست که در اینجا به دست کم شش مورد که بیش از دیگر تلقی‌ها به آن توجه می‌شود تأمل در خصوص آن نیز نه تنها بی‌فایده نیست، در بیان نتیجه و انتخاب نوع رویکرد و تلقی در این نوشتار، ضروری است و در اینجا به آنها اشاره مختصر خواهیم کرد.

۱. در نظر گرفتن جامعه‌شناسی به عنوان جزئی از متن دین

به نظر می‌رسد، گزاره‌هایی که در دین و برای نمونه، در قرآن کریم در باب انسان و جامعه وجود دارد، کلی و همه جانبه است. (در آمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی صص ۳۹۵-۳۹۱)؛ در حالی که گزاره‌های علم تجربی، به معنای اخص، گزاره‌های گزینشی و عینی درباره جوامع واقعی است. برای مثال، وقتی قرآن می‌فرماید: ان الانسان لفی خسر (عصر: ۲)، این انسان به طور کل منظور است، یعنی این تعبیر امکان دارد شامل هر انسانی اعم از گذشته یا فعل یا آینده بشود. بر این اساس هر چند این گزاره، بیان‌کننده شناخت و رهنمودی کلی و البته به شدت درست است، به طور خاص برای تبیین یک واقعه معین انسانی یا اجتماعی ادا نشده است. یا زمانی که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) منظور، کدام قوم است! این هم با وجود اینکه حقیقتی را بیان می‌کند، شامل هر قوم و گروهی در هر زمان می‌شود. این در حالی است که در جامعه‌شناسی، به عنوان رشته‌ای از علوم انسانی تجربی و مدعی ارائه تبیین‌ها و تفسیرهایی چون تفهیمی و دارای اعتبار عام، همواره به تبعیت از خصوصیات گزینشی و جزء نگر معرفت علمی، ابعاد معینی از زندگی اجتماعی جوامع معین را توصیف یا علل و متغیرهای دیگر را تبیین می‌کند. بر این اساس، این تلقی که جامعه‌شناسی، جزئی از متون دینی است که قرآن یا به طور عام، جزئی از دین آن را تأیید کند، پذیرفته نمی‌شود.

۲. جامعه‌شناسی به عنوان نوعی دانش جامعه‌شناختی مورد تأیید قرآن

اگر بخواهیم جامعه‌شناسی‌ای را دنبال کنیم که قرآن بر آن صحه می‌گذارد، پرسش در اینجاست که مطابقت این جامعه‌شناسی با قرآن را چه کسی تأیید می‌کند و ملاک آن چیست؟ اینجاست که مشکل اعتبار اسناد، امکان بروز اشتباه و تعارض در تعبیر، تفسیر و اعتبارسنجی پیش می‌آید. وقتی این جامعه‌شناسی به راحتی نقدپذیر نیست، تقدس می‌یابد و جنبه تعبدی پیدا می‌کند، از سویی جنبه تجربی و بشری بودن این علوم، با الهی شدن آن را چگونه می‌توان جمع است. نکته دیگر اینکه چه تفاوت‌هایی با جامعه‌شناسی‌های دیگر خواهد داشت؟ مگر اینکه جامعه‌شناسی را منحصر در این تلقی کنیم که به شناخت و بررسی قوانین حاکم بر جوامع می‌پردازد، در این صورت، در بهره‌گیری از قرآن به عنوان منبع در بخش کلیات، از رهنمودهای قرآن استفاده می‌کند که در تلقی آخر، بیشتر به آن می‌پردازیم.

۳. جامعه‌شناسی دانشی، ناظر به نیازها و بایدها در جامعه اسلامی

به نظر می‌رسد؛ جوامع مختلف به دلیل نوع باورها و اعتقادات حاکم بر آنها، هنجارها و ارزش‌های ویژه‌ای را پی می‌گیرند و بر اساس آن عمل می‌کنند. البته می‌توانند زمینه نوعی معرفت را فراهم سازند تا بر اساس آن، به نیازها پاسخ دهند که بر اساس نقد رویکرد اول، این تلقی نیز چندان پذیرفته نیست.

۴. جامعه‌شناسی به عنوان دانشی در خدمت قرآن کریم

معنای این سخن آن است که جامعه‌شناسی در مقام کاربرد و اکتشاف، اصول و توصیه‌های خود را به عنوان ابزار در استخدام قرآن قرار در آورده است و با ارائه نمونه‌های عینی و شواهد زنده، حقانیت قرآن را اثبات و گزاره‌های قرآنی را عملیاتی و کاربردی نماید. همچنین جنبه‌های کارآمدی قرآن، به خصوص در میان عوام و خواص را افزایش و حتی اثبات کند. در واقع نوعی پرده‌برداری از حقایق قرآنی به مدد علم جامعه‌شناسی تجربی، انجام می‌شود، شبیه آنچه تا کنون در خصوص رابطه علوم طبیعی انجام گرفته است. این نوع از جامعه‌شناسی، کم و بیش واجد کمترین ویژگی‌های یادشده برای یک تعبیر تا حدی پذیرفته، از ارتباط معنادار جامعه‌شناسی با قرآن کریم است. این یعنی از یک نظر متوجه دغدغه‌های مطرح در قرآن کریم است، مانند: سنت‌های حاکم بر جوامع؛ خانواده در قرآن و عوامل فروپاشی آن؛ باورهای غلط حاکم بر جامعه یا رهبری ناهلان بر جامعه، به گونه‌ای که گویا به مسائل معین و محدود زمانی و مکانی جوامع معین می‌پردازد. (کافی، ۱۳۸۳، ص ۲۱) ولی سخن همچنان در حقانیت و صحت این علم و این مسئله باقی است که مبانی و اصول آن از کدام منبع گرفته شده و کدام مرجع عالی علمی، پذیرفته بودن آن را تأیید می‌کند.

۵. جامعه‌شناسی به عنوان دانشی برخاسته از قرآن کریم و متون تفسیری

این ارتباط، بیان‌کننده جامعه‌شناسی‌ای ملهم از قرآن کریم است یا اینکه دست کم یکی از منابع اصلی آن را قرآن کریم تشکیل می‌دهد و مبانی و اصول و کلیات آن را از قرآن کریم می‌توان استخراج کرد. این تعبیر از ارتباط جامعه‌شناسی با قرآن، بر شماری از پیش فرض‌ها استوار است. برای مثال، همه انواع مکاتب و دیدگاه‌ها و رویکردهای نظری و تئوری‌های جامعه‌شناسی و به طور کل هرگونه معرفت جامعه‌شناسانه، بر پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناختی و روش‌شناختی مبتنی است. همچنین در متون و نصوص دینی مثل قرآن کریم، دو نوع گزاره یعنی گزاره‌های توصیفی، تبیینی، تحلیلی و گزاره‌های ارزشی، هنجاری، انشایی و یا احکام، تکلیفی وجود دارد.

در آنجا که گزاره‌های مزبور به طور مستقیم، امری اجتماعی را توصیف یا تبیین می‌کند و در آنجا که به نحو انشایی و تکلیفی، در باب امور اجتماعی موضع‌گیری می‌نماید، به طور غیر مستقیم می‌توان پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه آن نوع معرفت جامعه‌شناسانه را از گزاره‌های توصیفی و تکلیفی قرآن استنتاج کرد، چنان که بتواند ویژگی قرآنی بودن را با خود همراه سازد. حتی می‌توان به گونه‌ای، از تک تک گزاره‌های قرآنی به ویژه در زمینه جهان‌بینی و احکام عملی دین، در نگاهی کلان و جامع پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعی قرآن را در عرصه‌های مختلف فلسفی - معرفتی و روش‌شناسانه استخراج کرد و آنها را مبنای معرفت و دانش جامعه‌شناسانه قرار داد (ر.ک: همان، ص ۲۹) حال اگر چنین معرفتی حاصل آمد، بدان سبب که محصول به دست آمده، در گزاره‌های قرآنی ریشه دارد، می‌توان آن را نوعی جامعه‌شناسی قرآنی تلقی کرد. نکته مهم اینکه لازم است به منظور حفظ امکان مفاهمه با دیگر مخاطبان (غیر مسلمان) و قابلیت عرصه محصول یاد شده به اجتماع اهل علم در این رشته و دیگر رشته‌های مرتبط، مسائل داوری در خصوص درستی یا نادرستی استنباط محقق از متن قرآن و میزان انطباق با واقعیت بیرونی را حل کرد. بخشی از این کار با تسلط محقق به آداب و قواعد استنباط از قرآن حل می‌شود و بخشی از آن، با تسلط به شیوه‌های فهم و درک پدیده‌های اجتماعی و به طور خاص، جامعه‌شناختی.

یک نمونه از ارتباط قرآن و جامعه‌شناسی

با توجه به آنچه در خصوص ارتباط قرآن و جامعه‌شناسی آمد، ضروری است برای آنکه قصد مقاله از وادی حرف و ادعا بالاتر رود و زمینه تلاش واقع‌بینانه‌ای را در عرصه ارتباط قرآن و جامعه‌شناسی فراهم آورد، به نمونه‌ای که تأییدکننده این مسیر و البته راهگشای آن خواهند بود، اشاره کنیم. این نمونه، حاصل تجربه‌ها و مطالعات نگارنده در منابع جامعه‌شناسی و قرآن عزیز است که نقد محققان بر آن، محترم است و انشاء الله که ساحت قرآن کریم، در این برداشت‌ها، حتی ذره‌ای مخدوش نشده باشد.

قرآن و اشتراک جوامع در قوانین جامعه‌شناختی

بر اساس برخی اظهار نظرها، شکل‌گیری علوم اجتماعی و برای نمونه جامعه‌شناسی، به منظور پاسخ به کشف قوانین حاکم بر جامعه بود، در حالی که در گزاره‌های قرآنی، از ۱۴۰۰ سال پیش شواهد فراوانی از عوامل سقوط و رشد و شکوفایی جوامع و سیر معجزه‌آسای آنها مطرح شده است. بدین ترتیب با تأمل در برخی از آیات آن، در می‌یابیم پرده‌برداری از نقش این کتاب الهی در تثویز کردن حاکمیت سنن الهی بر حیات اجتماعی بشر، امری گزاف نیست. اینها قوانینی هستند که هر چند افراد ناآگاه به محتوای بلند قرآن کریم، آن را از ساحت این کتاب آسمانی دور می‌دانند، ولی برای اهل تأمل و تدبر در این کتاب الهی، این جنبه از آموزه‌های قرآن، دلیل آشکاری بر هم‌آمیختگی آن با فطرت و نیازهای اساسی بشر به عنوان موجودی اجتماعی است و تعالی و رشد مادی و معنوی او نیز در گرو این‌گونه زندگی است.

انسان‌های معمولی، رخدادهای تاریخ و جامعه را توده‌ای از اتفاق‌های نامربوط می‌دانند که بر حسب تصادف و نه بر مبنای قدرت خدا و نقش او در اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی بشر، شکل می‌گیرد و تفسیر و توجیه می‌شود. البته قرآن با این تفکر، مقابله می‌کند و عقل بشر را هشدار می‌دهد که در این زمینه، سنن و قوانینی هست به جز آنچه بشر امروزی در محدوده زندگی مادی خود به آن باور دارد و وجود دارد. همچنین برای اینکه انسان بتواند بر سرنوشت خود حاکم شود، لازم است این قوانین را بشناسد. این روشنگری بزرگ قرآن، زمینه‌ای را برای آگاهی و هشیاری اندیشه بشر فراهم می‌کند تا به فهم و درک درستی از نقش عملی تاریخ و حیات اجتماعی او در زندگی‌اش برسد، تا جایی که هشت قرن بعد از نزول آن، کوشش‌هایی از این دست، توسط مسلمانان انجام می‌گیرد. عبدالرحمن بن خلدون تونسلی، یکی از اندیشمندان مسلمان است که به بررسی این قوانین با بهره‌گیری از قرآن کریم می‌پردازد. (ر.ک: ابن خلدون، مقدمه، ۲۰۰۷م). و دست کم چهار قرن بعد از او، اروپایی‌ها در اوایل رنسانس، این اندیشه را دوباره شکل دادند. تا جایی که در حوزه تاریخ و قوانین حاکم بر آن، بحث‌های متعدد و متنوعی را مطرح و اندیشه‌های متفاوتی چون اندیشه‌های ماتریالیستی را پایه‌ریزی کردند. در ضمن، هر کدام کوشیدند تا این قوانین را بر اساس مکتب خود معرفی و تحلیل کنند که نقش آموزه‌های دین اسلام را در چنین رویکردی در غرب نیز به سادگی می‌توان دریافت. (ر.ک: حکیمی، ۱۳۸۲؛ زمانی، ۱۳۸۵)

۱. قرآن و زندگی اجتماعی

همان‌گونه که از برداشت بسیاری از مفسران به خوبی می‌توان فهمید، در بینش قرآنی، پیدایش بشر بر روی کره زمین، با یک زن و مرد به نام‌های آدم و حوا، به صورت زندگی خانوادگی آغاز شده است. از دیدگاه قرآن کریم، سائقه جنسی و آرامش و سکون، علقه خانوادگی و عامل عاطفی و روانی، نخستین حلقه‌های ارتباط انسان‌ها و تشکیل زیربنای جامعه انسانی یعنی خانواده است. خداوند در آیات ۲۰ و ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

براین اساس تفاوت انسان‌ها از نظر استعدادها و موهبت‌های جسمی، روحی، عقلی و عاطفی که مبتنی بر

قوانین جهان آفرینش پایه ریزی شده، امری طبیعی است. این امر، افراد را به یکدیگر نیازمند می‌سازد، آنان را به زندگی اجتماعی دعوت می‌کند و ضرورت آن را بیش از پیش برایشان نمایان می‌سازد. همچنین نیازهای مختلف انسان که روزبه روز افزایش می‌یابد و بشر بتدریج به صورت مشخص از آن مطلع می‌شود، به طور طبیعی اجتماع پدیدآمده را استقرار و استحکام می‌بخشد و موجب می‌گردد تا افراد گرچه از روابط سببی و نسبی واحد برخوردار نباشند و یا از ملیت‌ها و نژادهای گوناگون منشعب شوند- نه تنها به اجتماعی زیستن تن دهند، بلکه به آن استحکام بخشند و از متلاشی شدن آن جلوگیری کنند. به عبارت دیگر زندگی اجتماعی طرحی است در آفرینش انسان و با طبیعت بشری او سرشته شده است. این شیوه زندگی گویی ریشه در اعماق جان بشر دارد به طوری که تا انسان با این ویژگی‌ها و کشش‌های انسانی باقی است این گرایش به سوی جامعه و حیات اجتماعی نیز تجلی می‌یابد که آیات ذکر شده موید آن است.

آیت الله جوادی آملی در کتاب جامعه در قرآن ضمن طرح دیدگاه‌های مختلف درباره علت اجتماعی زیستن انسان و مروری بر دیدگاه علامه طباطبایی با ارائه تحلیلی عقلی از زندگی اجتماعی می‌نویسد: انسان نه چون حیوان است که همه همت او شکم او باشد نه فرشته است که معصوم باشد بلکه دارای دو جهت است یکی حیثیت طبیعی که ذات اقدس الهی آن را به طبیعت طین، حماء مسنون و گل و لای اسناد می‌دهد (انی خالق بشرا من صلصال من حماء مسنون / ۲۸ حجر) و دیگری حیثیت فطری او که مستلزم فرشته خوبی است (فاذا سویته و نخت فیه من روحی ففعوا له ساجدین / ص ۷۲) انسان از حیث اول مستمتر بالطبع است اما روح او مدنی بالفطره است و بین این دو گرایش همواره جهاد است پس انسان طبعاً باید در جامعه بسر برد ولی گرایش به اجتماع غیر از قانون مداری عدل محوری و حق طلبی اوست بنابراین اصل زندگی جمعی انسان مقتضای طبع اوست. لیکن متمدن بودن مقتضای فطرت اوست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۴۵)

(ب) نگاهی فلسفی - جامعه‌شناختی به حقیقت جامعه در قرآن

هر چند به گفته تمام مفسرین و اندیشمندان قرآن پژوه و با تامل در قرآن کریم به این نتیجه خواهیم رسید که در قرآن واژه جامعه نیامده، لیکن واژه‌های متعددی وجود دارد که از آنها به راحتی مفهوم جامعه و تاکید قرآن را بر آن به دست آورد، به عنوان نمونه، واژه قوم که بیش از سیصد بار در قرآن تکرار شده است که هم کاربرد به صورت مونث دارد مانند: کذبت قبلهم قوم نوح.. (ق. ۱۲) و هم به صورت مذکر مانند: لایسخر قوم من قوم... (حجرات. ۱۱). با مراجعه به این واژه‌ها و تعبیر مختلف آمده از آنها در قرآن کریم، می‌توان جامعه را از نگاه قرآن کریم به گروهی اطلاق کرد که با هدف مشترک و ملاک و معیار معین و سنت خاص به پیروی از تفکر یا عقیده و یا شخصی خاص در مکانی معین گرد هم آمده‌اند و در راستای رسیدن به آن هدف از سرآگاهی و بعضاً ناخود آگاه در حرکت و فعالیت هستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۹) که نتیجه دو تعریف یا حداقل دو گزارش از دو تعریف زیر از سوی شهید مطهری و استاد مصباح یزدی موید آن برداشت است. شهید مطهری در کتاب جامعه و تاریخ آورده است: جامعه مجموعه‌ای از افراد انسانی است که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به هم پیوندخورده و زندگی دسته جمعی دارند به عبارت دیگر مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقائد و ایده‌ها و باورها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند. (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۹) و استاد مصباح در کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن جامعه را مجموعه گروهی از مردم با هدف مشترک می‌داند که از نظر سیاسی تابع یک قانون و حکومت است و از نظر جغرافیایی نیز محدود به حدود خاص است. (مصباح یزدی، همان، ص ۲۳)

اما اینکه حقیقت جامعه در قرآن چیست؟ در گام اول تعیین این نکته لازم است که اساساً چگونه ترکیبی برای جامعه به عنوان گروه مردم قائلیم؟ و ادعای وجود حقیقی برای آن چون وجود حقیقی برای فرد یا به عنوان تنها وجود حقیقی، چگونه قابل توجیه است؟

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان پس از بحثی درباره اینکه اگر جامعه‌ای دارای روح واحد و تفکر

اجتماعی واحد شد حکم یک فرد انسانی را پیدا می‌کند و افرادش همانند قوا و اعضای انسان می‌گردند که ذاتاً و فعلاً در شخصیت انسان مستهلک می‌باشند و لذت و دردشان عین لذت و درد انسان است و سعادت و شقاوتشان عین سعادت و شقاوت انسان می‌شود می‌نویسد:

قرآن در داوری‌اش درباره امت‌ها و جوامعی که به علل تعصبات مذهبی و ملی تفکر جمعی یگانه‌ای داشته‌اند این چنین داوری نموده است که طبقات و نسل‌های بعدی را به اعمال نسل‌های قبلی مورد مؤاخذه قرار می‌دهد و حاضران را به اعمال غایبان عتاب و سرزنش می‌کند. (طباطبایی ۱۳۷۰ ج ۴ ص ۱۱۲) و در جایی دیگر می‌فرماید:

از کیفیت آثار می‌توان وجود حقیقی (و نه اعتیاری) جامعه را اثبات کرد زیرا میزان قدرت بدنی و خواص روحی افراد معین است وقتی جامعه تشکیل شد قدرت و آثار جدیدی پیدا می‌شود که افراد را تحت الشعاع قرار می‌دهد در این صورت فرد نمی‌تواند در مقابل آن بایستد... اینگونه از خواص و آثار و امور اجتماعی نشان می‌دهد که جامعه افزون بر افراد از نوعی وجود مستقل برخوردار است. (همان ص ۹۷)

شهید مرتضی مطهری هم ضمن برشماری چهار نوع ترکیب و بیان اینکه دو نوع آن مبتنی بر نظریه اصاله فردی است و یکی هم اصاله اجتماعی محض است، معتقد است که جامعه نوعی مرکب حقیقی است از نوع مرکبات طبیعی که از ترکیب روح‌ها و اندیشه‌ها و عواطف و خواسته‌ها و اراده‌ها آمده است. یعنی ترکیبی فرهنگی است نه ترکیب تن‌ها و اندام‌ها و به اصطلاح فلاسفه همان طور که اجزاء ماده پس از فعل و انفعالات و کسر و انکسار در یکدیگر و از یکدیگر استعداد صورت جدیدی می‌یابد و مرکب جدیدی حاصل می‌شود و اجزاء با هویت تازه ادامه حیات می‌دهند، افراد اجتماع نیز که هر کدام با سرمایه‌ای فطری و اکتسابی از طبیعت وارد زندگی اجتماعی می‌شوند روحاً در یکدیگر ادغام می‌شوند و هویت جدیدی که از آن به روح جمعی تعبیر می‌کنند می‌یابد. (همان ص ۲۶). به نظر ایشان با استناد به آیات ۳۴ اعراف، ۲۸، جاثیه، ۱۰۸، انعام و ۵ غافر، قرآن هم این برداشت از معنای جامعه را تایید می‌کند (همان ص ۳۰ و ۳۱)

استاد مصباح یزدی نیز با طرح مفصل بحث در کتاب جامعه و تاریخ معتقد است که جامعه از هر گونه وجود حقیقی عاری است (و در این راستا بطور تفصیلی نظر جامعه‌گرایان را نقد می‌کند). (همان ص ۷۳) البته قوانینی دارد حقیقی و تکوینی به این دلیل که منشا انتزاع آن افراد انسانی هستند که دارای وجود حقیقی‌اند. (همان ص ۱۲۷) استاد جوادی آملی هم در کتاب جامعه در قرآن ضمن بحث مفصلی از اقوال اندیشمندان در این زمینه و تقسیم‌بندی در خصوص انواع ترکیب و نقل قول‌های متعدد از اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان، همچنین ابتکار قرآن کریم درباره جامعه از این جهت که آن را احیا کرده و حیثیت اجتماعی افراد را به آنها تفهیم کرده است و همچنین از این جهت که برخلاف کتاب‌های تاریخ که سرگذشت افراد را نقل می‌کند و تاکید دارد که قصص امم و اقوام را بازگو و قوانین حاکم بر آنها را نیز یادآور شود (آیات ۴۲ مائده، ۷۰ توبه، ۷۷ نمل و ۳ یوسف نمونه‌ای از آنهاست) می‌نویسد:

با مروری بر تنظیمات عام قرآن کریم و تفکیک نامه اعمال امت‌ها و افراد و تبیین و نقد نظریه علامه در بحث حقیقی بودن یا اعتباری بودن جامعه و چندین مسئله دیگر که خواننده تا فرصت کافی و شم فلسفی قوی نداشته باشد بخوبی مقصود نویسنده محترم از بحث را بخصوص به دلیل طرح فروضات مختلف و عدم نتیجه‌گیری به هنگام از آنها در نمی‌یابد، در یک جمع بندی یادآور می‌شوند که:

اولاً، وجود عینی جامعه بنا بر وجود خارجی کثرت عددی، امکان دارد.

ثانیاً، وجود اعتباری که منشا آثار عینی و خود برخاسته از آثار خارجی است مرتبه‌ای از مراتب وجود حقیقی است.

ثالثاً، افراد در جامعه استقلال هویتی خود را از دست نمی‌دهند چنان که عناصر اولی طبق برخی مبانی حکمت مشاء هویت خود را رها نمی‌کند بلکه با حفظ شخصیت وجودی خود از سورت و سطوت آن کاسته می‌شود.

رابعاً، چون وجود اعتباری سنخی از وجود حقیقی است و ظاهر برخی از ادله نقلی وجود امت در خارج است و حضرت استاد علامه طباطبایی وجود عینی کثرت عددی را توجیه می فرمودند، آیاتی را که برای امت، کتاب، مسئولیت قائد و مانند آن قرار می دهد طبق ظاهر آن ها تفسیر فرمودند، سنت های الهی برای جامعه مناسب هستی آن جامعه خواهد بود (جوادی آملی، همان، ص ۳۴۵) بنابراین به نظر ایشان جامعه دارای وجودی اعتباری است که خود دارای نوعی وجود است.

ج) مصادیقی از قوانین جامعه شناختی در قرآن

۱- فراگیری آثار اعمال، یکی از احکام جامعه شناختی این است که هر گاه همه یا اکثر افراد جامعه به عملی خاص دست بزنند آثار خوب و بد آن عمل همه افراد جامعه را دامنگیر می شود. قرآن کریم در سوره اعراف می فرماید:

«و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض. ۹۶۷ اعراف»

به این معنا که اگر همه یا اکثر افراد جامعه اهل ایمان و تقوی شوند یعنی هنجارها و قوانین حاکم از سوی خدا در جامعه را مراعات نمایند برکات آسمانی و زمینی مانند نزول بهنگام و فراوان بارش های آسمانی، ازدیاد محصولات کشاورزی و دامپروری و دفع آفات از آنها، صحت و سلامت بدنی، آسایش و آرامش روحی و امنیت اجتماعی بر آنها افزایش می یابد. عکس این قضیه را در آیه شریفه دیگری اشاره می فرماید که:

«واتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه... ۲۵ انفال»

آری از فتنه ای که فقط شامل کسانی از شما که ستم کرده اند نمی شود (بلکه ستم نکرده ها را نیز در بر می گیرد) بترسید.

این قانون که بیانگر یک ارتباط حقیقی و تکوینی است از قوانینی است که اختصاص به یک قوم و گروه ندارد بلکه به فلسفه آن که بنگریم همگانی بودن آن یخوبی قابل برداشت است. در حقیقت نظری اجمالی به قرآن کریم می رساند که این کتاب شریف به یک رشته از قوانین تکوینی و تشریحی مشترک بین همه جوامع قائل است. از جمله حکمت برخی آیات در زمینه نقل قصص اقوام پیشین این است که دیگران از اعمال و پیامدهای کار خود درس گیرند و عبرت اندوزند:

«لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب ۱۱۱/ یوسف»

دستور به این عبرت آموزی در این آیات و آیات دیگری مانند ۲۶ نازعات ۱۳ آل عمران و ۲ حشر تنها در صورتی ممکن و مفید است که یک واقعه و حقیقت تاریخی پدیده ای منحصر به فرد و متعلق به یک جامعه خاص نباشد بلکه قابلیت تکرار در دیگر جوامع و زمان ها را داشته باشد لذا معلوم است که از نگاه قرآن کریم وجوه اشتراک فراوانی بین گذشتگان و آیندگان وجود دارد که عبرت آموزی آیندگان از سرنوشت گذشتگان را امکان پذیر و مفید می سازد. در این زمینه مناسب است تا برخی دیگر از آیات مورد توجه قرار گیرند.

۲- دعوت به سیر در زمین و عبرت آموزی، در هفت آیه از قرآن کریم مردم دعوت به سیر در زمین شده تا نسبت به سرانجام مردم قبل از خود آگاهی یابند:

«وما ارسلنا من قبلک الا رجالا نوحی الیهم من اهل القرى افلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم.. ۱۰۷ یوسف و همچنین در آیات (۹ روم، ۴۴ فاطر، ۲۱ غافر، ۲۸ غافر، ۱۰ محمد، ۶ انعام، ۷۴ مریم، ۱۲۸ طه)

به خصوص با تامل در آیات ۲۱ و ۲۸ سوره غافر، ۶ انعام و ۷۴ مریم که اشاره به برخی دارایی های اقوام مانند قدرت، قوت و امکانات بیشتر کرده و آن را از ویژگی های آنها می داند، لیکن آنها مانعی از قوانین حاکم بر کل جوامع نیستند که قرآن علی رغم آن ویژگی ها به تامل و تدبر در سرگذشت آنها دعوت می کند.

سیر در زمین اصطلاحی قرآنی است که به معنای تفکر و تامل در وقایع و حوادث تاریخی است به منظور عبرت آموزی و پند اندوزی. حال اگر هر واقعه ای پدیده ای منحصر به فرد بود و ربطی به سایر جوامع نداشت

خداوند حکیم دعوت به ژرف اندیشی در آن نمی‌کرد:

«قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین / ۱۳۷ ال عمران»

و همچنین در آیات (۱۱ انعام، ۳۶ نحل، ۲۵ زخرف)

از نگاه قرآن کریم این قانون که جوامعی که آیات الهی را تکذیب می‌کنند یا بزهکاری پیشه می‌کنند یا اکثرشان مشرک می‌شوند سرنوشت مطلوبی نخواهند داشت، استثنا پذیر نیست و کلیت دارد و این است سر اصلی استفاده از تامل در سرنوشت گذشتگان.

نوعی این همانی در دیدگاه قرآن کریم و مسئله قانونمندی جوامع در دیدگاه جامعه‌شناسی وجود دارد که با توجه به ویژگی‌ها و شرایط و عوامل تحقق و اظهار وجود چنین قوانینی در نگاه قرآن کریم، این قانونمندی علاوه بر این که جنبه این جهانی دارد و بستر آن در این جهان مادی است، هدف و جهت‌گیری آن به سمت امور غیرمادی و جهان دیگر است که بیان چنین تبیینی در قدرت و توان جامعه‌شناسی نیست و با اثبات آن نه تنها جامعیت قرآن در این نگاه ثابت می‌شود بلکه نشانگر عمق دیدگاه قرآن و توجه به جامعه به عنوان بستر اصلی شکل‌گیری رفتارها و وابستگی آن به ارزیابی‌های آن جهانی است که خود نوید نوعی جامع‌نگری قرآن به مسائل جامعه بشری و تحلیل قواعد و قوالب حاکم بر رفتارهای بصورتی اعجازگونه است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، نشر سهامیف ۱۳۷۰ تهران.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، دارالکتب، بیروت، ۲۰۰۷م.
- اورعی، صدیق غلامعلی، بررسی نظام اجتماعی اسلام، نشر صدا و سیما، تهران ۱۳۸۲.
- باتومورتی، بی. جامعه شناسی، ترجمه حسن منصور و.. نشر امیر کبیر، تهران ۱۳۷۰
- جمعی از نویسندگان، مبانی جامعه شناسی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳، تهران نشر سمت.
- جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن. نشر اسراء، قم، ۱۳۸۸
- جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، اسراء، قم، ۱۳۸۶
- حکیمی، محمد رضا، دانش مسلمین، نشر دلیل ما، تهران، ۱۳۸۲.
- رشیدی تبریزی، اسد، کارکرد دین، نشر تولی، قم، ۱۳۸۶.
- رضایی، محمد، جستارهایی در کلام جدید.
- زمانی، محمد حسن، قرآن و مستشرقان، نشر دفتر تبلیغات، قم
- ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۰
- صدر، محمد باقر، سنت های تاریخ در قرآن، نشر دفتر تبلیغات، قم ۱۳۶۰.
- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، نشر دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۷.
- عباس نژاد محسن، مبانی و مقدمات رابطه قرآن و علوم روز، بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵. مشهد.
- کافی، مجید، دین و علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳، قم.
- کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی، تهران ۱۳۷۰
- گوروویچ، ژرژ، و دیگران، طرح مسائل جامعه شناسی امروز، ترجمه نیک گهر، ج ۲، نشر پیام، ۱۳۴۹.
- گلدنر، الوین، بحران جامعه شناسی غرب، ترجمه فرده ممتاز، نشر انتشارات، تهران ۱۳۶۸.
- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران، ۱۳۸۶
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، نشر اسلامیه قم، ۱۳۶۸.
- مجموعه مقالات، روش شناسی تفسیر علمی قرآن کریم، بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹. مشهد مقدس.
- مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، نشر امیر کبیر، ۱۳۸۳
- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، نشر سازمان تبلیغات، قم، ۱۳۶۸
- مصباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، نشر مؤسسه آموزشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۷.
- مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ در قرآن، نشر صدرا، قم، ۱۳۷۸
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام نشر انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۷.
- همیلتون، ملکم، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مؤسسه تبیان، ۱۳۷۷ تهران.